

پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی
سال هفتم، شماره پیاپی ۲۰، شماره اول، بهار ۱۳۹۷
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۲۴
صص ۱-۱۸

تحلیل محتوای مستند شوک با تأکید بر نظریه‌های انحرافات اجتماعی

وحید قاسمی، استاد، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان، ایران*

احسان فرد اصفهانی، دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان، ایران

صبا منوچهری فر، دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی، دانشگاه کاشان، ایران

چکیده

این پژوهش، با هدف بررسی و مطالعه نظریه‌های به‌کاررفته در حوزه انحرافات اجتماعی در یک برنامه مستند تلویزیونی با موضوع مسائل اجتماعی انجام شده است. اینکه از چه نظریاتی با چه فراوانی استفاده شده است و چه کسانی به آنها اشاره کرده‌اند، از مهم‌ترین پرسش‌هایی بوده که در مقاله به آن پاسخ داده شده است. همچنین، در این مطالعه طیف وسیعی از آراء انحرافات اجتماعی - مجموعاً ۱۲ نظریه - در ۲ پارادایم اثبات‌گرا (نظریه‌های فشار، یادگیری و کنترل اجتماعی) و برساخت‌گرا (مارکسیستی و انگ‌زنی) به کار گرفته شده‌اند. مقاله حاضر، با روش تحلیل محتوای کمی و با کمک چک‌لیست ساخته‌شده به دست پژوهشگر انجام شده و جامعه آماری آن، ۲۵ قسمت، با ۱۴ موضوع را از جمله اعتیاد، زورگیری، سرقت مسلحانه، جرائم اینترنتی و ... در بر می‌گیرد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد نظریه‌های فشار از مرتبه پیوند افتراقی از سادرنند و پیوند اجتماعی از هیرشی، به ترتیب پرکاربردترین‌ها و نظریه‌های قانون در عمل از ویلیام چمبلیس و واقعیت اجتماعی از ریچارد کوبینی کم‌کاربردترین‌ها بوده‌اند.

واژه‌های کلیدی: کیج‌روی، نظریه‌های انحرافات اجتماعی، برساخت‌گرایی، اثبات‌گرایی، برنامه شوک.

مقدمه و بیان مسأله

کج رفتاری و انحرافات اجتماعی از جمله رفتارهایی هستند که بدون شک، در هر اجتماعی وجود دارند و انواع و شدت و فراوانی آنها متفاوت است که از جامعه ای به جامعه دیگر فرق دارند و جامعه ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. ترمیم و اصلاح کج‌روی‌ها آن‌قدر ضروری است که چنانچه امروز برای فهم علل پیدایش، نحوه گسترش و پیامدهای آنها کاری انجام نشود، به راحتی نظام اجتماعی به ورطه انحطاط و سقوط خواهد افتاد.

برخی متفکران، همچون جلایی‌پور ۱۳۹۲، رفیع‌پور ۱۳۹۲ و ۱۳۹۴ و کاتوزیان ۱۳۹۱، به حالت آنومیک و بی‌هنجاری اشاره می‌کنند که جامعه ایران در گذر از سنت به مدرنیته به آن دچار شده است. در این حالت، ارزش‌ها و هنجارهای قبلی برای مشخص کردن خط مشی رفتار بهنجار، قدرت خود را از دست داده‌اند و ارزش‌ها و هنجارهای جدید نیز آن‌قدر قدرت نیافته‌اند که به وضوح، ارزش‌گذاری و هنجارگذاری کنند.

در دنیای امروز، با پیشرفت فناوری‌های ارتباطی و باتوجه به وجود رسانه‌های گوناگون مثل اینترنت، روزنامه، تلویزیون و...، نقش رسانه‌ها در ایجاد، افزایش، کاهش و کنترل انحرافات اجتماعی مهم دانسته می‌شود. رسانه‌های ملی ایران، مخصوصاً صداوسیما در برخورد با انحرافات اجتماعی گوناگون، رویه‌های متفاوتی اتخاذ کرده‌اند که طیفی از انکار و کتمان (مثل هم‌جنس‌گرایی) و سکوت معنادار (مثل گسترش بیماری ایدز از راه تماس جنسی) تا پرداخت‌های متعدد به مسئله تکراری (مثل اعتیاد یا طلاق) را شامل می‌شود (برای مثال اگر در آرشیو برنامه‌های شبکه ۲ واژه اعتیاد، طلاق، ایدز و هم‌جنس‌گرایی را از تاریخ ۱۳۹۲/۱/۱ تا تاریخ ۱۳۹۵/۱۲/۱۴ جستجو کنید، برای هر عنوان به ترتیب ۱،۳،۴ و ۰ برنامه نمایش داده خواهد شد). نقش تأثیرگذار صداوسیمای ملی و موضع و رویکرد آن در قبال انحرافات اجتماعی برای جامعه ما بسیار پراهمیت و تأثیرگذار است؛ بنابراین، ما روش

برخورد رسانه با انحرافات گوناگون را در این پژوهش مدنظر قرار داده‌ایم و در پی آن هستیم تا با بررسی یکی از برنامه‌های صداوسیما با عنوان شوک، میزان استفاده از نظریه‌های انحرافات اجتماعی را در این برنامه بسنجیم و رویکرد کلی این برنامه را درباره انحرافات اجتماعی بشناسیم. براساس این مطالب، این مطالعه می‌خواهد با روش تحلیل محتوای کمی میزان استفاده از آراء مختلف انحرافات اجتماعی را در این برنامه بفهمد و این موضوع را دریابد که کدام نظرها پرکاربردتر و کدام کم‌کاربردتر هستند. همه کسانی که در این برنامه حضور داشته‌اند، به ۴ دسته کج‌رو، مجری و رسانه، کارشناسان و هم‌نویان تقسیم شده‌اند و به هر سکانس از هر برنامه، یک چک‌لیست اختصاص داده شده است؛ بنابراین، تعداد چک‌لیست‌های هر برنامه، احتمالاً با بقیه تفاوت دارد. لیست برنامه‌های تحلیل‌شده در جدول (۳) در پیوست آمده است.

بررسی پیشینه

مطالعات کج‌روی و بزهکاری و به‌طورکلی، حوزه انحرافات اجتماعی از قدیمی‌ترین حوزه‌های جامعه‌شناسی است. با پیشرفت تکنولوژی‌های مدرن در عرصه ارتباطات و ظهور رسانه‌های جمعی همچون تلویزیون، اینترنت، روزنامه و... اندیشمندان حوزه انحرافات اجتماعی و ارتباطات، به تأثیرگذاری این رسانه‌ها و رابطه آنها با بزهکاری توجه کرده‌اند و مطالعات متعددی با محوریت این موضوع، در سرتاسر دنیا انجام شده است.

در این حوزه، نتایج پژوهش‌های مختلف انجام‌شده در ایران و دیگر کشورها نشان می‌دهد رسانه‌ها به صورت مهمی در چگونگی شکل‌گیری افکار عمومی در زمینه جرم و بزهکاری نقش ایفا می‌کنند (فرجی‌ها، ۱۳۸۵). محمد فرجی‌ها برای شناسایی معیارهای گزینش اخبار جنایی، تحلیل محتوای گزارش‌های جنایی و نیز کشف ارتباط متقابل و پیچیده بین محتوای گزارش‌های جنایی و دیگر ابعاد ساختارهای اجتماعی

احمدی و عربی با استفاده از روش پیمایش و با هدف مطالعه رابطه بین مصرف رسانه‌ای و ترس از جرم در میان شهروندان بزرگ‌تر از ۱۸ ساله کرج پژوهشی انجام داده‌اند که براساس نتایج آن، تماشای شبکه‌های تلویزیون داخلی و خارجی و مطالعه مطبوعات، با ترس از جرم به صورت مستقیم و مثبتی باهم رابطه دارند. همچنین، از لحاظ آماری بین میزان استفاده از اینترنت و گوش دادن به برنامه‌های رادیویی با ترس از جرم، رابطه معناداری وجود ندارد. در این میان، مطالعه مطبوعات در مقایسه با دیگر متغیرها در پیش‌بینی ترس از جرم، بیشترین ضریب تأثیر را دارد و به‌طور کلی، بین میزان مصرف رسانه‌ای و ترس از جرم مخاطبان، رابطه معناداری وجود دارد. الگوبرداری از صحنه‌های غیرواقعی فیلم‌های تلویزیونی نیز احتمال دارد به افزایش میزان جرائم منجر شود (احمدی و عربی، ۱۳۹۲).

چارچوب نظری

نظریه‌های انحرافات اجتماعی را عموماً در ۲ دسته کلان می‌شود قرار داد که نخستین آنها اثبات‌گرا^۱ و دومی برساختگرا^۲ است. در حوزه نظریه‌های انحرافات اجتماعی اثبات‌گرایی ابتدا با نظریاتی مطرح شد که در مقایسه با مسائل جامعه‌شناختی بیشتر رنگ و بویی زیست‌شناختی داشتند. در واقع، ردّ نظریه‌های انحرافات اجتماعی را می‌شود تا نخستین نظریه‌های حوزه زیست‌شناسی پیگیری کرد؛ یعنی جایی که در آن فیزیولوژی و آناتومی بدن، به صورت بسیار زیادی با کج‌روی و بزهکاری ارتباط پیدا می‌کنند. آن دسته از نظریه‌های اثبات‌گرایی که نسبت به امور جامعه‌شناختی بیشتر زیست‌شناختی هستند، به دلیل وارد شدن نقدهایی جدی بر آنها در تحلیل‌های نهایی کاربردی ندارند.

در شکل‌گیری رفتار مجرمانه، با روش تحلیل محتوا مطالعه‌ای انجام داده است که طبق یافته‌های پژوهش او: (۱) خبرنگاران و دبیران سرویس روزنامه‌ها و مدیران تنظیم خبر، با گزینش اخبار جنایی و تعیین چگونگی بازتاب پدیده‌های جنایی در رسانه‌ها در شکل‌گیری افکار عمومی درباره جرم و عدالت به‌طور مؤثری نقش ایفا می‌کنند، (۲) وجودنداشتن جنبه‌های تحلیلی و تأکید بر توصیف پدیده‌های جنایی در اخبار و رویدادهای جنایی ایجاد درک و بینش صحیح مخاطب را نسبت به عوامل وقوع جرم و راه‌های کنترل آن، با مانع روبه‌رو می‌کند و (۳) گزینش اخبار جنایی بر مبنای شاخص‌های تعیین‌کننده «ارزش خبری» پیامدهای بی‌شماری را از جمله بزرگ‌نمایی جرم‌های خشونت‌آمیز و افزایش احساس ناامنی در اجتماع به دنبال دارد (فرجی‌ها، ۱۳۸۵).

یکی از راه‌های پیشگیری، تأثیر رسانه‌های مختلف گروهی است که امروزه، به شکل مهمی در توسعه ارتباطات جهانی و ملی نقش دارد (مؤذن‌زادگان و افشاری، ۱۳۹۲). رسانه‌ها با آموزش جرم و نحوه ارتکاب آن یا برعکس نقش آموزشی پیشگیرانه از جرم، بر احساس امنیت اجتماعی تأثیر می‌گذارند. در این زمینه، فریبا شایگان در پژوهشی با هدف بررسی نقش آموزش جرم در رسانه‌ها با روش تحلیل محتوای کمی نقش حوادث مطرح‌شده در روزنامه جام‌جم را بررسی کرده است. براساس نتایج، از ۳۸۵ حادثه ذکرشده، ۲۴۷ مورد به جرائم توجه کرده بودند و بیشترین جرم مطرح‌شده، سرقت (۳۵٪) و پس از آن قتل (۱۹٪) و سپس کلاهبرداری (۱۵٪) بوده است. محتوای حوادث ذکرشده این روزنامه، به آموزش جرم کم توجه کرده و میزان ترساندگی و بازدارندگی حوادث هم کم است (۲۱٪ حوادث ذکرشده بازدارنده هستند). در حوادث مطرح‌شده، چهره مثبت و موفق از پلیس نشان داده شده است و همین امر، در پیشگیری از ارتکاب جرم خوانندگان هم نقش دارد (شایگان، ۱۳۸۹).

¹ Positivist

² Constructivist

نظریه‌های فشار اجتماعی^۱

سؤال اصلی در نظریه فشار این است که چرا مردم کج رفتاری می‌کنند. پاسخ کلی این نظریه به این سؤال این است که در جامعه، عواملی به برخی از مردم فشار می‌آورد و آنان را به کج رفتاری مجبور می‌کند (Agnew, 1992: 35). رابرت مرتن^۲، این فشار را ناشی از ناتوانی شخص در دستیابی به اهداف مقبول اجتماعی می‌داند. او می‌گوید کج رفتاری حاصل فشارهای ساختاری - اجتماعی خاصی است که فرد را به کج رفتاری وادار می‌کند (Merton, 1968: 158-248).

آلبرت کوهن، ناکامی در رسیدن به جایگاه والا را در جامعه، عامل فشار محسوب می‌کند. او یکی از پژوهشگران مشهوری است که ضمن استفاده کردن از نظریه مرتن، در جامعه آمریکایی اصطلاح منزلت^۳ را با موفقیت^۴ جانشین کرده است. افراد طبقات ضعیف در رقابت با طبقات قوی‌تر از خود در می‌مانند و ضمن ناکامی و تحقیر می‌بازند. به باور کوهن، این افراد برای جبران ناکامی خود، در رقابت برای دستیابی به منزلت، «خرده فرهنگ»^۵ بزهکاری را به وجود می‌آورند. در واقع، طبقه محروم نیز شیوه‌های خود را برای دستیابی به منزلت پیدا می‌کند که این امر، از طریق اشتغال به امور خلاف تحقق می‌یابد (Cohen, 1971:49-73; Thio, 2001:20-21). ممتاز، ۱۳۸۵: ۱۰۲ - ۱۰۱).

کلوارد و اوهلین^۶، در تکمیل نظریه سادرلند، به اهمیت فرصت‌های مشروع و نامشروع اشاره می‌کنند. از نظر آنها افراد منحرف اجتماعی باید برای دریافت ارزش‌ها و یادگیری مهارت‌های لازم برای اجرای نقش انحرافی خود، به محیطی مناسب دسترسی داشته باشند تا پس از یادگیری نقش در این محیط، با حمایت و تشویق گروه، رفتار خود را ادامه دهند. کلوارد و اوهلین، ادعا می‌کنند که فرض مرتن درباره

کمتر بودن فرصت‌های مشروع طبقات محروم برای دستیابی به اهداف مقبول اجتماعی درست است؛ اما فرض کج رفتاری خودکار و موفقیت‌آمیز این افراد در مواجهه با نبود فرصت‌های مشروع، درست نیست؛ زیرا اعضای طبقات فرودست، پس از مواجهه با نبود فرصت‌های مشروع افتراقی با فرصت‌های نامشروع افتراقی هم مواجه می‌شوند. به برخی اعضای طبقه پایین برای ارتکاب کج رفتاری فشار وارد می‌شود؛ اما آنها لزوماً نمی‌توانند کج رفتاری کنند. دلیل این امر آنست که از فرصت‌ها یا ابزارهای نامشروع لازم برای کج رفتاری بی‌بهره‌اند (گروسی و محمدی دولت‌آبادی، ۱۳۹۰: ۶۱).

رابرت اگنیو^۷، از جمله کسانی است که با تجدید نظر در این نظریه، در پی پاسخ‌گویی به انتقادات وارد شده بر آمد. او با معرفی نظریه فشار عمومی نشان داد که بسیاری از نظریه‌های موجود در جامعه که در دهه ۱۹۳۰ وجود داشته‌اند، حتی امروز هم کاربرد دارند (سوتپیل و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۸۰ - ۱۷۹). نظریه فشار عمومی^۸ اگنیو نه ساختاری است و نه فردی و سعی می‌کند وقوع جرمی را تبیین کند که از فشارهای پیش‌روی فرد در زندگی ناشی شده است. همچنین، این نظریه قادر است مقیاس‌های فشار، انواع اصلی فشار، رابطه بین فشار و بزهکاری، رویکرد تقابلی نسبت به فشار، عامل رفتار بزهکارانه یا غیربزهکارانه و نظریه‌های سیاسی اخذ شده از این نظریه را تعریف کند. به جز این موارد، نظریه فشار عمومی این قابلیت را دارد که برای توصیف بزهکاری بین گروه‌ها و برای مثال، میزان بزهکاری مردان در مقابل زنان نیز استفاده شود (Siegle, 1998: 179). برخلاف نظریه‌های فشار قبلی که بر فشار اقتصادی متمرکز بودند، اگنیو بر پیچیده‌بودن فشار در جامعه مدرن تأکید دارد (Siegle & Sienna, 1997: 169).

در نظریه فشار عمومی منابع اصلی فشار عبارت‌اند از:

^۱ Social Strain Theories

^۲ Merton

^۳ status

^۴ success

^۵ subculture

^۶ Cloward and Ohlin

^۷ Agnew

^۸ general strain theory

کج رفتاران یا ایده‌های کج رفتاری) علت اصلی کج رفتاری آنهاست.

سادرلند، معتقد است که کج رفتاری را در مقایسه با اصول روان‌شناختی مرضی با اصول یادگیری اجتماعی بهتر می‌توان تبیین کرد (Sutherland & Cressy, 1970: 77-83).

دانیل گلیزر^۴، معتقد است که نظریه سادرلند رویکردی ماشینی‌انگارانه به کج رفتاران دارد و چنین می‌پندارد که تعامل با کج رفتاران، شخص را به طور مکانیکی با امور کج رفتاران درگیر می‌کند و با این کار، قابلیت‌های تصمیم‌گیری و پذیرش نقش فرد نادیده گرفته شده است. او برای اصلاح این تصویر ماشینی‌انگارانه از کج رفتاران گفته است تعامل با کج رفتاران (واقعی یا مجازی) به خودی‌خود ضرری ندارد؛ مگر اینکه به حدی برسد که فرد خود را با کج رفتاران یکی بداند و هویت خود را از آنها بگیرد. پلیس، زندانبان‌ها، جرم‌شناسان و مددکاران اجتماعی با افراد مجرم معاشرت دارند؛ اما کج رفتار نمی‌شوند. علت آن این است که این افراد، الگوی رفتار جنایت‌کاران را تأیید نمی‌کنند. به اعتقاد گلیزر، پیوند افتراقی رفتار کج رفتاران را شکل نمی‌دهد؛ بلکه علت اصلی کج رفتاری دخالت متغیر سوم، یعنی هویت‌پذیری از کج رفتاران یا هویت‌پذیری افتراقی است (صدیق‌سروستانی، ۱۳۸۹: ۵۰ - ۴۹).

مطابق نظریه تقویت، در روان‌شناسی ادامه یا تقویت هر نوع رفتاری به تشویق یا مجازات بستگی دارد؛ یعنی تشویق به ادامه رفتاری خاص و مجازات به توقف آن منجر خواهد شد و رابرت برگس و رانلد اکرز^۵، براین اساس این نظریه را به چالش کشیده‌اند. به بیان دیگر، این دو ادعا می‌کنند که صرف پیوند با کج رفتاران، کسی را کج رفتار نمی‌کند؛ بلکه همین افراد، کج رفتاری را در صورتی که - با فراوانی و احتمال بیشتر - رضایت‌بخش‌تر ببینند، آن را به هم‌نوایی^۶ ترجیح خواهند داد. برگس و ایکرز، بر مبنای قانون نیروی

الف) فشار ایجادشده برای به دست نیآوردن اهداف

ارزشمند مثبت (Agnew, 1999: 127).

ب) فشار در نتیجه حذف انگیزه‌های ارزشمند مثبت از

افراد (Agnew, 1999:127) و

ج) فشار در نتیجه وجود انگیزه‌های منفی

(Siegle, 1998: 180).

بنابراین، نظریه فشار عمومی راهکارهای تقابلی غیر از جرم (راهکارهای تقابلی شناختی، احساسی و رفتاری) را معرفی کرده است که افراد به کمک آنها در چارچوب ابزار قانونی قادرند با فشار مقابله کنند (علی‌وردی‌نیا و همکاران، ۱۳۸۷: ۹۳).

نظریه‌های یادگیری اجتماعی^۱

به اعتقاد تمام صاحب‌نظرانی که موضوع یادگیری اجتماعی را مطرح کرده‌اند، کج رفتاری و هم‌نوایی طی فرآیندهایی مشابه آموخته می‌شوند و دلیل کج رفتاری یادگیری ارزش‌ها و هنجارهای انحرافی به ویژه، در چارچوب خرده فرهنگ‌ها و گروه‌های همسالان محسوب می‌شود؛ بنابراین، نکته اصلی در این‌گونه نظریه‌ها این است که افراد، کج رفتاری را در طول تعامل خود و طی فرآیندهای خاصی یاد می‌گیرند که توضیح داده خواهد شد.

نظریه پیوند افتراقی^۲ سادرلند^۳، مشهورترین نظریه از مجموع نظریه‌های جامعه‌پذیری یا یادگیری در مباحث کج رفتاری اجتماعی است. نکته اصلی این نظریه این است که افراد به این دلیل کج رفتار می‌شوند که تعداد ارتباط‌های انحرافی آنها بیش از ارتباطات غیرانحرافی شان است. این تفاوت تعامل افراد با کسانی که ایده‌های کج رفتاران دارند، نسبت به افرادی با ایده‌های هم‌نوایانه (ارتباط بیشتر آنها با

⁴ Glaser, D

⁵ Burgess & Akers

⁶ Conformity

¹ Learning Theory

² differential association

³ Edwin Sutherland

و کج رفتاری اشخاص، بیش از آنکه از نیروهای محرک به طرف نابهنجاری ناشی شده باشد، محصول وجودداشتن ممانعت است. همچنین، درزمینه متفکران این مکتب، می شود به هیرشی^۲، ت. رکلس^۳ و. نای اف^۴، توبی. ج^۵، اکر. ر^۶، ویلکینسن. ک^۷ و چند تن دیگر اشاره کرد (Reckless, 1973: 55-57 and Nay, 1958: 3-9).

رویکرد کنترل اجتماعی هیرشی نظریه پیوند هم نامیده می شود (سلیمی و همکاران، ۱۳۸۵: ۳۹۱) و این رویکرد، علت هم نوایی افراد با هنجارهای اجتماعی را پیوند اجتماعی آنها دانسته است. براساس باور او پیوند میان فرد و جامعه، مهم ترین علت هم نوایی و عامل اصلی کنترل رفتارهای فرد است و ضعف این پیوند یا نبود آن را علت اصلی کج رفتاری می داند. از نظر هیرشی ۴ جزء اصلی پیوند فرد با جامعه، از بروز کج رفتاری جلوگیری می کنند و او آنها را چنین شناسایی می کند: ۱) وابستگی^۸ یا تعلق خاطر؛ ۲) تعهد^۹؛ ۳) درگیری^{۱۰} درگیری^{۱۱} و ۴) اعتقاد^{۱۱} (Hirschi, 1973: 16-26).

جان بریتویت^{۱۲} هم مثل هیرشی دلیل وجود هم نوایی را کنترل رفتار افراد توسط عوامل مختلف می داند؛ اما به باور هیرشی شیوه این کنترل «پیوند» فرد با جامعه است؛ درحالی که بریتویت، از کنترل افراد توسط جامعه، از طریق شرمندسازی بحث می کند. از نظر او شرمندسازی نوعی ابزار طرد اجتماعی نسبت به رفتاری خاص برای تحریک ندامت در شخص خلاف کار است. بریتویت، از ۲ نوع شرمندسازی صحبت می کند: ۱- شرمندسازی جداکننده که طی آن کج رفتار، مجازات، بدنام، طرد و در نتیجه، از جامعه هم نوایان تبعید می شود و ۲- شرمندسازی پیونددهنده که

تقویت افتراقی می گویند اگر چند (تعدادی) عامل نیروهای تقویت کننده تولید کنند، عاملی بیشترین احتمال وقوع را دارد که بیشترین تقویت کننده را از لحاظ مقدار، فراوانی و احتمال تولید کرده است؛ بنابراین، از نظر اینها دخالت متغیر سوم، یعنی تقویت افتراقی در فضای پیوند افتراقی، علت اصلی کج رفتاری محسوب می شود (برگس و ایگز ۱۹۶۶ به نقل از سروسستانی، ۱۳۸۹: ۵۰).

نظریه یادگیری اجتماعی (SLT) اکرز، یکی از نظریه های مسلط در حوزه رفتارهای مجرمانه و نظریه ای کلی است که به طور موفقیت آمیزی در طیف وسیعی از رفتارهای انحرافی و مجرمانه کاربرد دارد و (Akers and Seller, 2009) همچنین، به شدت از آن حمایت شده است (Pratt et al., 2010). به جز این، فرم های متنوع تری از جرائم و انحرافات، با استفاده از این نظریه تست و توسط داده ها حمایت و تأیید شده اند که برای مثال، این موارد ذکر می شوند: سوءاستفاده از داروهای تجویزی (Schroeder & Ford, 2012) خشونت - به طور دوطرفه - میان دو شریک زندگی صمیمی (Seller et al. 2009) قربانی کردن (Sellers et al., 2005) و سرقت و جاسوسی سایبری (Hinduja & Ingram, 2009).

نظریه های کنترل اجتماعی^۱

از جمله نظریه های تأثیرگذار حوزه جامعه شناسی انحرافات، نظریه کنترل در تبیین و تحلیل کج رفتاری های اجتماعی است که این نظریه، علت اصلی کج رفتاری را نبود کنترل اجتماعی می داند. مطابق دیدگاه فروید، فرض اصلی این نظریه این است که افراد به طور طبیعی به کج رفتاری تمایل دارند و در صورت نبودن کنترل، چنین رفتار می کنند؛ بنابراین، در نظریه های کنترل اجتماعی فرض شده است که همه به طور طبیعی برای ارتکاب کج رفتاری انگیزه دارند و تبیین این انگیزه ها لازم نیست. درحقیقت، آنچه نیاز به توضیح و تبیین دارد، هم نوایی با هنجارهای اجتماعی است

² Hirshi

³ Reckless

⁴ Nye

⁵ Toby

⁶ Aker

⁷ Wilkinson

⁸ attachment

⁹ commitment

¹⁰ involment

¹¹ belief

¹² Braithwaite

¹ control theory

تلقی می‌شود. در رأس همه برساخت‌گرایان، هاوارد بکر، ادعا می‌کند کج رفتاری رفتاری است که مردم این انگ (کج رفتاری) را به آن بزنند و کج رفتار، کسی است که این انگ به او خورده باشد (Becker, 1963: 12).

۲. جامعه‌شناسان برساخت‌گرا، کج رفتاری را تجربه ذهنی و آن به اصطلاح کج رفتار را شخصی می‌دانند که آگاهی، احساس، فکر و تأمل دارد و بین او به شکل سوژه فعال و اشیاء و غیرانسان‌ها (موضوع مطالعات علوم طبیعی) به صورت ابژه‌ای منفعل، فرسنگ‌ها فاصله است و

۳. جامعه‌شناسان برساخت‌گرا بر این باورند که کج رفتاری عملی ارادی است و به دلیل قوه اختیار و اراده انسان متجلی می‌شود.

در ذیل نظریه‌های برساخت‌گرا ۳ نظریه انتخاب شده‌اند که ۲ تای نخست، بیشتر رنگ و بویی مارکسیستی دارند.

از دیدگاه مارکسیستی صاحب‌نظرانی چون ویلیام چمبلیس^۳، مکنوف^۴ و پیرس^۵ بر ناکارآمدی قوانین، بازتابی نبودن روحیه جمعی اعضای جامعه و انحصاری شدن قانون و قدرت نزد طبقه حاکم جامعه تأکید دارند. براساس این دیدگاه، قدرت در دست کسانی است که نیروهای تولید و کنترل آنها را در اختیار دارند. دولت به شکل ابزار طبقه حاکم، قوانینی را وضع می‌کند که از منافع این طبقه حمایت، قدرت آن را حفظ و طبقه تحت سلطه را کنترل می‌کند؛ بنابراین، در این جوامع قوانین وفاق ارزش را نشان نمی‌دهد و بازتابی از ایدئولوژی طبقه حاکم هستند. چمبلیس، بیان می‌کند قوانین از منافع طبقه حاکم به صورت مستقیم دفاع می‌کند؛ اما اعضای طبقه حاکم، قوانین جزایی را نادیده می‌گیرند (Lawson & Heaton, 2010: 122).

نظریه ریچارد کوینی به نظریه «واقعیت اجتماعی» مشهور است. کوینی از ۲ نگرش مارکسیستی و پدیدارشناسی تأثیر پذیرفته است (بخارایی، ۱۳۸۶: ۵۳۱). او بیشتر در پی

ضمن اعلام درک احساس کج رفتار و نادیده گرفتن تخلف او و حتی ابراز احترام به او نوعی احساس تقصیر در او ایجاد می‌کند (فرض شده که) و نهایتاً او را از ادامه کج رفتاری باز می‌دارد و از بازگشت او به جمع هم‌نوایان استقبال می‌کند (Cohen, 1971 and Braithwaite, 1989 in: Thio, 2001: 92).

دکترین بازدارندگی^۱

دکترین بازدارندگی بر اعمال کنترل اجتماعی رسمی به وسیله قضاوت و سایر عوامل اجرای قانون تأکید دارد. فرض اصلی این نظریه این است که انسان‌ها اساساً عقلانی عمل و درباره ارتکاب هر نوع کج رفتاری به صورت داده - ستانده تحلیل می‌کنند و در صورت بیشتر بودن هزینه ارتکاب از منفعت آن، از کج رفتاری خودداری خواهند کرد. باتوجه به این مطالب، فرض اصلی دیدگاه بازدارندگی تهدید به مجازات کیفری یا اجرای آن برای کاهش انگیزه جرم است؛ یعنی درحقیقت، استفاده از مجازات به صورت بازدارنده‌ای که از وقوع یا تکرار جرم جلوگیری می‌کند و به‌طور کلی، انگیزه دیگران برای ارتکاب جرم را نیز کاهش می‌دهد. فرض این نظریه این است که هرچه شدت، قطعیت و سرعت اعمال مجازات بیشتر باشد، قدرت بازدارندگی آن بیشتر خواهد شد (تیب، ۱۳۸۴: ۲۵۲، Thio, 2001: 29 و دادبان و آقایی، ۱۳۸۷: ۱۲۷).

برساخت‌گرایی (نظریه‌های مارکسیستی و انتقادی)

رویکرد برساخت‌گرا به کج رفتاری بر ۳ فرضیه مهم استوار است که در مقابل آنچه در بحث مربوط به اثبات گرایی آمد، به «نسبت گرایی^۲»، «ذهن گرایی» و «اختیار گرایی» مشهور شده‌اند. به بیان دیگر، برساخت‌گرایان مدعی شده‌اند:

۱. کج رفتاری انگی بیش نیست و تا زمانی که تصور نشود، هیچ ویژگی ذاتی ندارد؛ یعنی هر رفتاری در صورت تصور نابهنجار بودن آن، از طرف بعضی از افراد کج رفتاری

³ William Chambliss

⁴ Maknoff

⁵ Pearce

¹ Deterrence doctrine

² Relativism

صنعت فرهنگ تمهیدی است که بورژوازی برای دست‌آموزی افکار و اطوار توده‌ها به کار می‌گیرد. صنعت فرهنگ، رواج نوعی فرهنگ استاندارد با بهره‌گیری از انواع سرگرمی‌های منحط و توده‌گری است که مردم را در چنگ خود اسیر می‌کند. این فرهنگ، فردیت و آزادی را از میان می‌برد و به‌این‌ترتیب، مقاومت پرولتاریا نیز رو به خاموشی می‌گذارد (پولادی، ۱۳۸۳: ۴۳ و سعیدی، ۱۳۸۷: ۸۰).

عنصر اساسی مفهوم صنعت فرهنگ، رسانه‌ها هستند. رسانه‌های گروهی عصر مدرن مثل رادیو، تلویزیون، سینما و مطبوعات، با قدرت اثرگذاری شگفت‌انگیزی انسان‌ها را در چمبر خود گرفتار می‌کنند و اندیشه‌آنان را به هر طرف مطلوب خود می‌کشانند. از نگاه اندیشمندان مکتب فرانکفورت، در جوامع سرمایه‌داری تحت حاکمیت خردابزاری، طبقات متنفذ بورژوا رسانه‌ها را در اختیار دارند؛ براین‌اساس، تمامی توان و امکانات خویش را برای تداوم سیطره سرمایه‌داری و نهادینه‌کردن ارزش‌های آن به کار می‌بندند. با توجه به این موضوع، رسانه‌ها به سفارش طبقه حاکم، فرهنگی قالبی تولید می‌کنند که با تمایل نظام سرمایه‌داری به‌خصوص گسترش روزافزون مصرف‌گرایی برای سودآوری هرچه بیشتر همسو باشد (سعیدی، ۱۳۸۷: ۸۹ - ۸۸).

به‌طور خلاصه، می‌شود گفت نظریه‌های فشار اجتماعی بیشتر بر وضعیت آنومیک و فشار اجتماعی برای دستیابی به ارزش‌های مطلوب اجتماعی تأکید دارند که ین وضعیت، درنهایت، افراد را به انحراف می‌کشاند؛ درحالی‌که نظریه‌های یادگیری اجتماعی، انحرافات اجتماعی را امری آموزش‌پذیر و انتقال‌پذیر از فردی به فرد دیگر می‌دانند. نظریه‌های کنترل اجتماعی نیز با پیش‌فرض کج‌روبودن انسان، بر ایجاد اوضاعی در جامعه تأکید دارند که با کنترل اجتماعی هم از طرف افراد جامعه و هم از طرف دستگاه‌های نظارتی رسمی از کنش‌های کج‌روانه افراد جامعه جلوگیری کند.

بررسی و شناخت تأثیر ساختار قدرت و جامعه بر پیدایش تعاریف مختلف از رفتارهای انسان و همچنین، چگونگی تبدیل آنها به بخشی از جهان اجتماعی بوده است. کویینی به‌جز پذیرش نظر چمبلیس، مبنی بر اجرای ظالمانه قانون عادلانه به‌دلیل الزامات و جبر سازمانی، ضمن سرزنش قانون ظالمانه نظام سرمایه‌داری به شکل مستقیم، معتقد است ویژگی‌های اقتصادی نظام سرمایه‌داری علت اصلی پیدایش جرم و جنایت هستند.

کویینی معتقد است دولت در نظام‌های سرمایه‌داری ابزاری برای حفظ منافع قدرتمندان و ثروتمندان است و قانون را ابزاری در دست نظام سرمایه‌داری می‌بیند که از آن برای جلوگیری از هرگونه تهدید علیه خود استفاده می‌کند. بر مبنای ادعای او این تهدیدات همان‌هایی است که نظام سرمایه‌داری آنها را کج‌رفتاری و جرم تلقی می‌کند. او همچنین بیان می‌کند که برای از بین بردن این کج‌رفتاری‌ها باید کل نظام سرمایه‌داری دگرگون شود؛ به‌این‌ترتیب، او اصلاحات ادعایی سرمایه‌داران برای رفع و رجوع مشکلات را بی‌ثمر می‌داند (Quinney, 1978: 32-52).

نظریه برچسب تأکید می‌کند که نفس رفتار، منحرفان را از غیرمنحرفان جدا نمی‌کند؛ بلکه اعمال اعضای سازش‌کار جامعه است که این تمایز را به وجود می‌آورد. این اعضا برخی از این رفتارهای انحرافی را تفسیر می‌کنند و برچسب انحرافی را به افراد نسبت می‌دهند (به دیگران برچسب انحرافی می‌زنند). درواقع، فرد کج‌رو پس از اینکه با برچسبی کج‌روانه شناخته شد، بیشتر ممکن است کج روی خود را ادامه دهد (ستوده، ۱۳۷۳: ۱۳۸).

در اینجا لازم است به‌طور کوتاه به اندیشه صنعت فرهنگی در مکتب فرانکفورت اشاره بکنیم. به‌طور خلاصه، صنعت فرهنگ را می‌شود به معنای تولید فرهنگ استاندارد و قالبی از طریق ابزارهای مَدِرنی چون رسانه، برای کنترل، مهار و هدایت افکار توده‌ها در جهت همسو با تمایلات طبقه حاکمه در نظر گرفت.

روش تحقیق

روشی که بیشتر در مطالعه وسایل ارتباط جمعی به کار می‌رود، تحلیل محتوا است. این روش فرصتی فراهم می‌کند که محققان به‌طور سیستماتیک مدارک را مطالعه و با شمارش آیتم‌های خاصی در قالب مقوله‌های تعریف شده، مشاهدات خود را درباره محتوای وسایل ارتباط جمعی طبقه‌بندی کنند. این پژوهش هم از انواع تحقیقات توصیفی محسوب می‌شود و به همین دلیل، در آن از روش تحلیل محتوای کمی استفاده شده است.

براساس نظر کریپندورف، در هر تحلیل محتوا (کمی - کیفی) باید به این ۶ پرسش توجه شود:

- ۱- چه داده‌هایی باید تحلیل شوند؛ ۲- اطلاعات چگونه تعریف می‌شوند؛ ۳- داده‌ها از چه جمعیتی گرفته شده است؛ ۴- ارتباط متن با اطلاعات تحلیل چیست؛ ۵- محدودیت‌های تحلیل کدام است و ۶- نتایج تحلیل چیست (کریپندورف، ۱۳۹۱: ۳۹-۲۵).

در این پژوهش، داده‌هایی که تحلیل می‌شوند، گفته‌ها و اظهارنظرهایی است که گویندگان، آنها را علل کج‌روی می‌دانند و البته، این گفته‌ها مطابق با تئوری‌های ذکر شده دسته‌بندی می‌شوند. همچنین، جمعیتی که اطلاعات از آنها گرفته می‌شود، به ۴ دسته کج‌رو، مجری و رسانه، کارشناسان و هم‌نویان تقسیم شده‌اند. از جمله محدودیت‌های این مقاله، نبودن فهرست دقیقی از برنامه‌های شوک بود که سرانجام، محقق، آرشیو شبکه ۳ صداوسیما جمهوری اسلامی به آدرس (Chi.ir) را منبع اصلی قرار داده و جامعه آماری و نمونه‌های آماری خود را بر طبق جدول این وب‌سایت از برنامه شوک، تنظیم کرده است.

تعریف فضای مفهومی و عملیاتی متغیرها

آنومی و فشار ساختاری:

در ذیل نظریه مرتن، ۲ نکته بیشتر اهمیت دارد: ۱- وضعیت

آنومیک^۱ یا بی‌هنجاری^۲ - فشار اجتماعی و ساختاری^۲
(Merton, 1968: 158-248).

در تمام مواردی که سخنان افراد این مضمون‌ها را به نحوی بیان می‌کرد، تئوری مرتن قلمداد شده است: فکر نمی‌کردم این راه خلاف باشد، هدف و نیت بدی نداشتم. نمی‌دانستم این کار اشتباه است (برحسب وضعیت آنومیک جامعه که هنجارها کاملاً مشخص نیستند) و واژه‌هایی با معانی همچون، مجبور بودم، راه‌حل پیش رویم بود، راه دیگری نداشتم و... (برحسب فشارهای اجتماعی و ساختاری شده‌اند). در جرائمی مثل سرقت مسلحانه، گلدکوئست و زورگیری بیشتر فشارهای ساختاری و اجتماعی مثل مضیقه مالی، فقر و... دخیل بوده‌اند که افراد مجبور شدند فعالیت را انجام بدهند که از نظر اجتماعی تخلف و نابهنجار دانسته می‌شود و در جرائمی همچون تصادفات، سودای شهرت، رمالی و مُد، بیشتر اوضاع آنومیک زمینه‌ساز بروز ناهنجاری بوده است.

ناکامی منزلتی: ناکامی منزلتی وضعیتی است که فرد در هنگام مقایسه خود با دیگران، در به دست آوردن امتیازات و مزایای گوناگون میدان اجتماعی شکست خورده باشد و برای جبران آن، سعی کند روش‌های نامطلوب و ناهنجار را به کار ببرد (Cohen, 1971: 49-73). درحقیقت، بیان حس سرخوردگی با جملاتی مانند منم می‌خواستم مثل اونها باشم، چرا اونها داشته باشند و من نداشته باشم و مگه من چیم از اونا کمتره، عامل مهمی برای ارجاع به نظریه کوهن قلمداد شده است. برای مثال، در قسمت جرائم اینترنتی جبران این ناکامی‌ها در فضای مجازی با دروغ‌گویی راحت‌تر و بیشتر

^۱ آنومی Anomie: به فقدان هنجار یا بی‌هنجاری اطلاق می‌شود. این امر به معنای استقلال شخص و جامعه است که به چندپاره شدن جامعه می‌انجامد. این اصطلاح، با سخن جامعه‌شناس فرانسوی، امیل دورکیم، در کتاب تأثیرگذار او، خودکشی (۱۸۹۷) مشهور شد.

^۲ معنای کلی فشار اجتماعی عبارت است از نیروهای بالفعل یا بالقوه اجتماعی برای کنترل اندیشه، رفتار یا عمل انسان‌ها یا هدایت آن در مسیری خاص. معنای محدودتر این اصطلاح، به فشار اجتماعی بر افکار عمومی اطلاق می‌شود.

ظاهر شده است.

فرصت‌های نامشروع افتراقی: فرصت‌های نامشروع افتراقی حالتی است که افراد طبقه عموماً محروم جامعه، در پی در دسترس نبودن راه‌های نامطلوب برای نیل به اهداف، ابتدا در خرده‌فرهنگ‌های جنائی، تضاد و کناره‌گیران عضو می‌شوند و سپس اعمال بزهکارانه را انجام می‌دهند (وضعیتی که حتی مسیرهای نامطلوب نیز در دسترس نیست و ابتدا باید آنها را از خرده‌فرهنگ‌های بزهکارانه آموخت) (گروسی و محمدی‌دولت‌آبادی، ۱۳۹۰: ۶۱). ارجاع به این نظریه با گفته‌هایی انجام شده است که مضامین و مفاهیمی مثل: اول من را بردند تو گروهشان، من و رفقایم یک باند بودیم، ما همه باهم این کار را می‌کردیم، اول دوستانم یادم دادند؛ بعد باهم انجام دادیم و... را در بر داشته‌اند.

پیوند افتراقی: نکته اصلی نظریه سادرلند این است که افراد به این علت کج رفتار می‌شوند که تعداد تماس‌های انحرافی آنان بیش از تماس‌های غیرانحرافی‌شان است (صدیق‌سروستانی، ۱۳۸۹: ۵۰ - ۴۹). ملاک ارجاع به این نظریه، مفاهیم و واژه‌هایی بوده است که به نحوی رابطه با دوستان کج‌رو را نشان می‌دهد و علت کج‌رو شدن فرد را ارتباط بیشتر با حلقه کج‌روها بیان می‌کند. برای مثال: خیلی از دوستانم اون موقع فلان کار - مواد می‌کشیدند، دزدی یا پیروی از مد نامتعارف و... را می‌کردند یا بیشتر دوستانم هم همین کار را می‌کردند. دوست یا دوستانی داشتم که مواد می‌کشیدند. او برای اولین بار بهم حشیش داد. رفیقم گفت بیا بریم دزدی و... شاید اصطلاح کلیشه‌ای «رفیق ناباب» را بتوان عصاره این مبحث دانست که کج‌روان برای توجیه کج‌رفتاری خود از آن استفاده می‌کنند.

هویت‌پذیری افتراقی: هویت‌پذیری به معنای الگو قراردادادن و تلاش برای همگون‌شدن با ویژگی‌های شخصیت مرجع است. جملاتی مثل از کارهایش خوشم می‌آمد، دوست داشتم منم مثل اون باشم، شده بود الگوی من، هرکار می‌کردم

براش و...، مصادیقی از این نظریه در نظر گرفته شده‌اند. در مثالی در قسمت اعتیاد، دختری در شرح حال چگونگی معتادشدن خود، از دوستی و علاقه شدید به دوست پسر معتادش حرف زده است. این علاقه، برای دختر عامل مهمی در الگو قرار دادن آن شخص محسوب می‌شد و سرانجام، به معتادشدن خود دختر منجر شده بود.

تقویت افتراقی: ارائه پاداش در ازای هر رفتاری موجب تقویت و تکرار آن رفتار می‌شود و همچنین، تنبیه و مجازات در ازای یک رفتار، احتمال تکرار آن را کم می‌کند. در تقویت افتراقی - کج‌رو شدن فرد - اتفاقی که می‌افتد آن است که شخص در ازای رفتار کج‌روانه، به شیوه‌های مختلفی تنبیه و مجازات نمی‌شود و بلکه تشویق هم می‌شود و در نتیجه این امر، احتمال تکرار رفتار کج‌روانه و کج‌روی فرد افزایش می‌یابد (برگس و ایگرز ۱۹۶۶، به نقل از صدیق سروستانی، ۱۳۸۹: ۵۰). برای مثال، از این نظریه می‌شود به بخش «مدشده» رجوع کرد. زمانی که جوانی با آرایشی غیرمعمول می‌گوید دوستانم آرایش من را تشویق و تحسین می‌کنند، این دوستان برای او نه اقلیت، بلکه تمام جامعه محسوب می‌شوند.

در ارجاع به این نظریه، جملات و واژه‌هایی همچون: همیشه از من تعریف می‌کردند، مرا تحسین می‌کردند، تشویقم می‌کردند، پول (پول به صورت مزیت و پاداش) خوبی برایم داشت، بعد از انجامش حس خوبی پیدا می‌کردم و...، ملاک بوده‌اند.

پیوند اجتماعی: این موارد، از مصادیق در نظر گرفتن این نظریه برای دلیل رخ‌دادن کج‌روی هستند: نداشتن تعهد و دلبستگی یا تعلق خاطر به بدنه اجتماع و اعلام تنفر و بی‌اعتقادی به هنجارهای جامعه (Hirschi, 1973: 16-26).

واژه‌هایی مثل هیچ دوستی نداشتم، جامعه و دیگران برایم اهمیتی نداشتند، برایم مهم نبودند، فرقی برایم نمی‌کرد که... و اصطلاحات دیگری با همین مضامین، تعهدناشتن و بی‌علاقگی فرد به اجتماع و در نتیجه، شک‌گیری شخصیت

شامل طیف وسیعی از صفات می‌شود که از لحاظ معنایی بار منفی دارد و اشخاص آنها را یادآوری و بیان کرده‌اند. مثلاً به من گفت معتاد مُفَنگی. شبیه تریاکی‌هایی. برای مثال، فردی که از طرف دیگران با برچسب معتاد شناخته شود، کمتر برای ترک انگیزه دارد. همچنین، افراد پذیرش برچسب معتاد و شناخته شدن خود از جانب دیگران با این صفت را دلیلی برای انجام دیگر کج‌روی‌ها از جمله پرخاشگری، دزدی و ... می‌دانند.

تحلیل نتایج

در این بخش، به‌طور مفصل و با ارجاع به جدول، اهداف اصلی و فرعی مقاله را توضیح و نشان خواهیم داد میزان فراوانی هر یک از نظریه‌ها چقدر است و همچنین، باتوجه‌به تقسیم‌بندی چهارگانه، استنادکنندگان به آراء هر گروه به چه نظریاتی بیشتر یا کمتر استناد کرده‌اند.

انزوطلب و ضداجتماعی فرد را نشان می‌دهند که متعاقباً برای این نظریه، به‌صورت عملیاتی تعریف شده‌اند.

نظریه شرم‌نده کردن از بریتویت: شرم‌نده کردن نوعی

ابزار طرد اجتماعی نسبت به رفتاری خاص، برای تحریک ندامت در شخص خلافکار است؛ یعنی تمام اعمالی که برای ایجاد احساس شرم و گناه در فرد بزهکار یا مجرم انجام می‌شود (Thio, 2001:28-29 و سروستانی، ۱۳۸۹: ۵۴-۵۳). این مسائل از جمله رفتارهای شرم‌نده کردن در نظر گرفته شده‌اند: چپ‌چپ نگاه کردن، خندیدن (با بار منفی و تمسخرآمیز) گفتن متلک‌ها و جملاتی با بار منفی و فعالیت‌های متفاوت دیگری که برای نکوهش شخص بوده‌اند. مثالی از این نمونه در قسمت مُد، چپ‌چپ نگاه کردن هم‌نویان به کسانی است که با آرایش‌های غیرمعمول در جامعه ظاهر می‌شوند.

دکترین بازدارندگی: در سطح اجتماع، ظهور ابزارهای

کنترل اجتماعی مانند افزایش دوربین‌های مداربسته، افزایش نیروهای انتظامی و امنیتی در شهرها، ابلاغ و اجرای قوانین سخت‌گیرانه‌تر و در مقیاس خانواده، کنترل و نظارت بر فرزندان در حوزه‌های خصوصی و... قادرند انجام کنش‌های کج‌روانه و مجرمانه را کنترل و از بروز آنها جلوگیری کنند. اعتراف به این مسئله، باعث شده است این مباحث را در ذیل نظریه دکترین بازدارندگی تأیید کنند. مثالی از این نمونه در سکانس نخست از قسمت تصادفات است که کارشناس انتظامی بیان می‌کند درصد تخلفات رانندگان با دیدن مأموران راهنمایی‌وراندگی کاهش می‌یابد و همچنین، باید در محیط‌های گوناگون، از رانندگان مختلف امتحان گرفته شود و محدودیت‌هایی برای تردد آنها در نظر گرفته شود.

نظریه برچسب‌زنی^۱: از جمله مصادیق این نظریه،

نسبت‌دادن هرگونه ننگ یا صفاتی با بار منفی و عموماً مجرمانه از طرف افراد هم‌نوا به کج‌روان (و در مواقعی به‌اشتباه به فردی هم‌نوا) قلمداد شده است. این برچسب‌ها

^۱ این نظریه، بیشتر با نام اندیشمندانی همچون گافمن، تانباوم، لمرت، بکر و کاتز شناخته شده است.

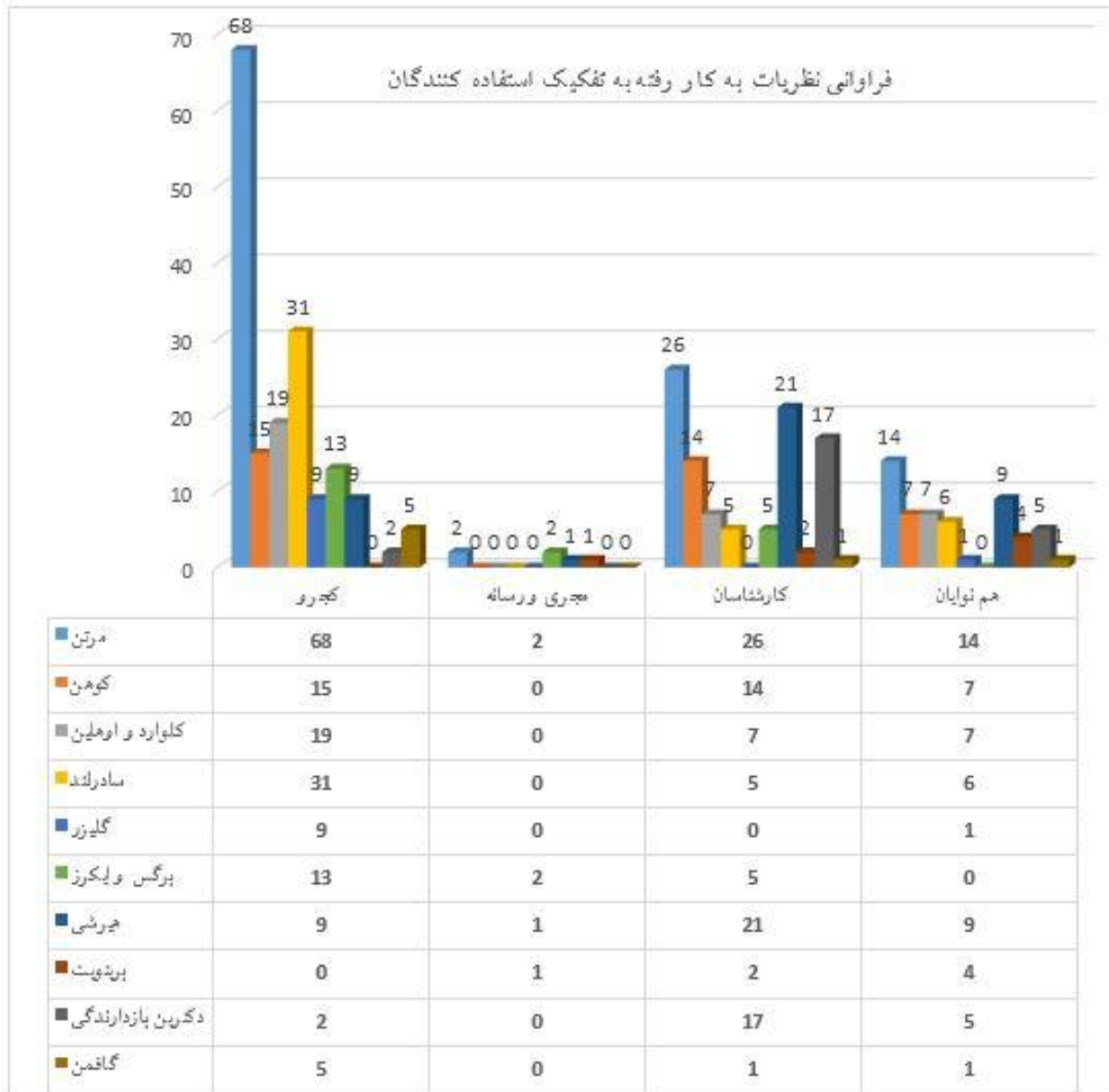
جدول ۱- درصد و فراوانی نظریه‌های به‌کاررفته، به تفکیک ۴ گروه کج‌رو، مجری و رسانه، هم‌نویان و کارشناسان

شماره	نظریه پرداز	عنوان نظریه	کج‌رو	مجری و رسانه	کارشناسان	هم‌نویان	کل
۱	نظریه مرتن	فشار	۶۱،۸۱	۱،۸۱	۱۹،۰۹	۱۲،۷۲	۱۱۰
			۳۹،۷۶	۳۳،۳۳	۲۶،۵۳	۲۵،۹۲	۱۰۰
۲	کوهن	ناکامی منزلتی	۴۱،۶۶	۰	۳۸،۸۸	۱۹،۴۴	۳۶
			۸،۷۷	۰	۱۴،۲۸	۱۲،۹۶	۱۰۰
۳	کلووارد و اوهلین	فرصت‌های نامشروع افتراقی	۵۷،۵۷	۰	۲۱،۲۱	۲۱،۲۱	۳۳
			۱۱،۱۱	۰	۷،۱۴	۱۲،۹۶	۱۰۰
۴	سادرلند	پیوند افتراقی یا فراوانی معاشرت	۷۳،۸۰	۰	۱۱،۹۰	۱۴،۲۸	۴۲
			۱۸،۱۲	۰	۵،۱۰	۱۱،۱۱	۱۰۰
۵	گلیزر	هویت‌پذیری افتراقی	۹۰	۰	۰	۱۰	۱۰
			۵،۲۶	۰	۰	۱،۸۵	۱۰۰
۶	برگس و ایکرز	تقویت افتراقی	۶۵	۱۰	۲۵	۰	۲۰
			۷،۶۰	۳۳،۳۳	۵،۱۰	۰	۱۰۰
۷	هیرشی	پیوند اجتماعی	۲۲،۵	۲،۵	۵۲،۵	۲۲،۵	۴۰
			۵،۲۶	۱۶،۶۶	۲۱،۴۲	۱۶،۶۶	۱۰۰
۸	بریتویت	شرمنده‌سازی	۰	۱۴،۲۸	۲۸،۵۷	۵۷،۱۴	۷
			۰	۱۶،۶۶	۲،۰۴	۷،۴۰	۱۰۰
۹	برنارد برودی، هنری کسینجر، والتر میلیس	دکترین بازدارندگی	۸،۳۳	۰	۷۰،۸۳	۲۰،۸۳	۲۴
			۱،۱۶	۰	۱۷،۳۴	۹،۲۵	۱۰۰
۱۰	هاوارد بکر	انگازنی یا برچسب‌زنی	۷۱،۲۴	۰	۱۴،۲۸	۱۴،۲۸	۷
			۲،۹۲	۰	۱،۰۲	۱،۸۵	۱۰۰
۱۱	ویلیام چمبلیس	قانون در عمل ^۱	۰	۰	۰	۰	۰
			۰	۰	۰	۰	۰
۱۲	ریچارد کووینی	واقعیت اجتماعی	۰	۰	۰	۰	۰
			۰	۰	۰	۰	۰
۳۲۹	درصد ستونی	کل	۱۷۱	۶	۹۸	۵۴	۳۲۹
۱۰۰			۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

^۱ نظریه‌های قانون در عمل، از ویلیام چمبلیس و واقعیت اجتماعی از ریچارد کووینی به دلیل فراوانی صفر از جداول بعدی حذف شده‌اند.

وجود دارد؛ هرچند در این مطالعه، به دلیل حضور بسیار کم رنگ جامعه‌شناسان، به سختی می‌شود اشاره‌ای مستقیم را به نظریه‌های جامعه‌شناسی انحرافات پیدا کرد.

هدف ابتدایی این مقاله، بررسی وجود یا وجودنداشتن نظریه‌های جامعه‌شناسی انحرافات است که نتایج به دست آمده نشان می‌دهد در زمینه نظریه‌های گوناگون فراوانی مناسبی



شکل ۱- فراوانی نظریه‌های به کار رفته به تفکیک گروه مجری و رسانه، هم‌نویان و کارشناسان

نظریه فشار رابرت مرتن، با بیشترین فراوانی پرکاربردترین نظریه و نظریه‌های قانون در عمل از ویلیام چمبلیس و واقعیت اجتماعی از ریچارد کویینی بدون حتی یک مورد اشاره، کمترین فراوانی را از آن خود کرده‌اند.

از دیگر اهداف این پژوهش، یافتن پرکاربردترین و کم‌کاربردترین نظریه جامعه‌شناسی انحرافات در این برنامه بوده است که این جدول، به خوبی فراوانی نظریه‌های به کار رفته در تمام برنامه‌ها را به صورت یکجا نشان می‌دهد.

از نظر کارشناسان حاضر در این برنامه، فشار اجتماعی و پیوند اجتماعی ضعیف، علل عمده کج روی هستند. همچنین، پس از آن، اشاره به دکترین بازدارندگی بیشترین فراوانی را در بین کارشناسان دارد که این موضوع اعتقاد آنها را به کنترل و نظارت بیشتر مراجع قانونی برای مبارزه و جلوگیری از کج روی نشان می‌دهد.

در میان اشاره هم نوایان به نظریه‌های گوناگون، بیشترین فراوانی باز هم به نظریه مرتن مربوط است و پس از آن، نظریه پیوند اجتماعی هیرشی قرار دارد.

همچنین، با تکیه بر شکل (۱) و مقایسه گروه‌های مختلف (کج‌روان، هم نوایان، مجری و رسانه و کارشناسان) مشاهده می‌شود که کج‌روها از نظریه مرتن، بیشتر از سایر گروه‌ها و نظریه‌های دیگر استفاده کرده‌اند. پس از آن، نظریه سادرلند قرار دارد و این امر احتمالاً این ۲ موضوع را نشان می‌دهد: حضور افراد کج‌رو در کنار هم نوایان، چقدر بر روی کج‌رو کردن دیگران می‌تواند تأثیرگذار باشد و البته، این نکته که شاید کج‌روان در پی توجیه اعمال بزهکارانه خود، سعی دارند دیگران را به صورت مقصر اصلی نشان دهند.

جدول ۲- فراوانی نظریه‌ها برحسب موضوع و عنوان برنامه

مرتن	کوهن	کلوارد و اوهلین	سادرلند	گلپزر	برگس و ایگز	هیرشی	بریتویت	دکترین بازدارندگی	برچسب
۱۵	۰	۱۱	۱۸	۹	۱	۱۴	۱	۲	۷
۶	۱	۱	۱	۰	۰	۲	۰	۰	۰
۳	۰	۲	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱۲	۰	۰	۰	۰	۰	۳	۱	۵	۱
۴	۵	۰	۳	۱	۴	۰	۰	۰	۰
۱۱	۲	۳	۴	۰	۳	۳	۵	۰	۰
۴	۱۵	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱۷	۶	۵	۸	۰	۱۱	۱۱	۰	۵	۱
۱۸	۳	۱	۲	۰	۰	۰	۰	۱	۰
۸	۲	۱	۵	۰	۰	۲	۰	۵	۰
۸	۱	۱۰	۰	۰	۱	۵	۰	۶	۰

با مصرف مواد اشاره کرده‌اند. همچنین، دوستان و نزدیکانی که برای نخستین بار، آنها را به مصرف تشویق کرده‌اند - استناد به نظریه سادرلند - قادرند به منظور تنظیم یک سیاست‌گذاری برای کنترل اعتیاد در کشور سرخ باشند. به جز این، عامل مهم احتمالی دیگر در زمینه ابتلای افراد جامعه به اعتیاد، پیوند داشتن و بی‌علاقگی اجتماعی مناسب با بدنه هم‌نوایان اجتماع است که به وسیله نظریه هیرشی پیگیری شده است. در سرقت مسلحانه و زورگیری دستیابی به ثروت

یکی از اهداف فرعی این پژوهش، یافتن پرکاربردترین و مرتبط‌ترین نظریه برای تحلیل کج‌روی‌های مختلف بوده است که با استناد به جدول (۲) توضیحاتی درباره هریک از موضوعات بیان می‌شود. براساس یافته‌ها در زمینه اعتیاد نظریه سادرلند، مرتن و هیرشی بیشتر از دیگر نظریه‌ها مطرح شده‌اند. ارجاع افراد معتاد بیشتر به این ۳ نظریه بوده است و در تبیین این فراوانی، معتادان در بحث فشار و وضعیت آنومیک، به رهاشدن از دغدغه‌ها و مشکلات زندگی روزمره

کرد و همین امر، امکان برقراری رابطه با دیگران را بسیار راحت‌تر می‌کند.

بازیگری بیشتر با محوریت کسب شهرت، از طریق سینما و تلویزیون است و در این زمینه، نظریه مرتن در صدر قرار دارد. کسب شهرت، به خودی خود از طرف جامعه به صورت هدفی مطلوب شناخته شده است که متأسفانه راه رسیدن به آن، از روش‌های بهنجار برای همه امکان‌پذیر نیست؛ به همین دلیل، افرادی با هدف کسب سود مادی از افرادی ناشی و بی‌اطلاع در این حوزه، کلاهبرداری می‌کنند. این افراد ناآگاه، بدون داشتن تخصص خاص، تمایل دارند بخشی از ثروت مادی خود را به شهرت تبدیل کنند.

در مبحث رمالی فراوانی نظریه‌های مرتن، سادرلند و دکترین بازدارندگی نسبت به سایر نظریه‌ها بیشتر است. کسب سود مادی از طریق رمالی میزان استفاده از نظریه مرتن را توجیه می‌کند. تبلیغ کردن برای این امور و ترغیب آشنایان استفاده کرده از خدمات رمالان، باعث می‌شود افراد بهنجار نیز به خرافه‌گرایی روی آورند و همچنین، این مسئله به گسترش بازار مالی و افزایش مشتریان برای رمالان موجود منجر می‌شود. در این حوزه، کارشناسان، مردم هم‌نوا و همچنین، مال‌باختگان و فریب‌خوردگان، بر کنترل و برخورد سخت نیروهای قضایی و انتظامی تأکید داشته‌اند که این موضوع، ارجاعی بر دکترین بازدارندگی است.

در عنوان آخر، صحبت از تخلف‌ها و ناهنجاری‌های - مواردی چون دلالی بازیکنان، فحاشی در استادیوم‌ها و تخریب اموال و... - عرصه فوتبال است که در اینجا تئوری کلوارد و اوهلین، در صدر هستند و سپس، نظریه مرتن و بازدارندگی قرار دارند. همه ارجاعات به نظریه مرتن، به بحث دلالی بازیکنان برای کسب سود مادی بر می‌گردد و ارجاعات به نظریه کلوارد و اوهلین، نشان می‌دهند عمده فحاشی‌ها، تخریب اموال و... که در مسابقات اتفاق می‌افتند، از ظهور بزهداری در خرده‌فرهنگ‌های نابهنجار ناشی می‌شوند؛ جایی

به صورت هدف اجتماعی مطلوب و پذیرفته شده، که با ابزاری نامطلوب پیگیری شده است. این مسئله باعث شده است نظریه مرتن، بیشترین فراوانی را داشته باشد. در جرائم راهنمایی‌وراندگی نیز تأکید بر تئوری بازدارندگی خصوصاً از طرف کارشناسان، موجب شده است که بعد از نظریه مرتن، این نظریه جایگاه دوم را به خود اختصاص دهد. نظریه کوهن، برگس و ایگرز و مرتن، در این عنوان - گلدکوئست - نسبت به بقیه نظریه‌ها بیشتر فراوانی دارند؛ زیرا عموماً طبقات ضعیف جامعه، خصوصاً از بُعد اقتصادی بیشتر به این شرکت‌ها جذب می‌شوند. این امر با نظریه ناکامی منزلتی کوهن توجیه می‌شود و همچنین، سود مادی در کوتاه‌مدت و نیز تشویق دوستان و سرشاخه‌ها برای ترغیب افراد به ادامه، مهم‌ترین دلایل زیادبودن فراوانی نظریه برگس و ایگرز است. گذشته از آن، نبود قوانین صریحی در عرصه اقتصاد، که عمدتاً از حالت آنومیک جامعه سرچشمه می‌گیرد، باعث شده است دستیابی به سود مادی به صورت هدفی مطلوب و همراه با انتخاب ابزاری نامشروع، پیگیری شود که در نتیجه، این مسئله باعث شده است نظریه مرتن بیشترین فراوانی را داشته باشد.

کج‌روی‌های رخ داده با نام ازدواج، عموماً جزء جرائم نیستند و در این گونه موارد، دلیل ارجاع زیاد به نظریه کوهن، جبران ناکامی‌های منزلتی با هزینه‌های گزاف و بعضاً غیراخلاقی است. البته گفتنی است که وجود برخی قوانین نامناسب با وضعیت اجتماعی امروز، خصوصاً درباره مهریه، موجب شده است مشکلات دوجندانی در این حوزه بروز کند.

در بحث جرائم اینترنتی کسب سود مادی از طریق اخاذی را می‌شود با نظریه فشار مرتن توجیه کرد. همچنین، کم‌بودن میزان پیوندهای اجتماعی در فضای واقعی باعث شده است افراد از طریق تقلب و دروغ، سعی کنند در فضای مجازی با دیگران ارتباط یابند؛ زیرا فضایی است که بسیار راحت‌تر می‌شود خود را به جای هویت واقعی با هویت دلخواه مطرح

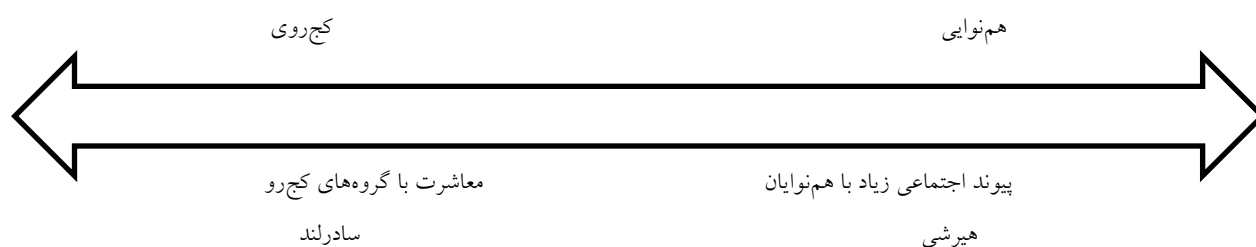
شکل ارزشی مطلوب در بین بسیاری از افراد جامعه پذیرفته شده است؛ درحالی‌که برای همه افراد جامعه، ابزار مشروع و روش‌های قانونی برای رسیدن به این هدف وجود ندارد. دلیل این مسئله، به‌ویژه شرایط نامساعد اقتصادی امروز ایران و روبه‌رو شدن با چالش‌ها و بحران‌های متعدد است.

در این برنامه، نظریه پیوند افتراقی سادرلند و پیوند اجتماعی هیرشی به ترتیب رتبه‌های دوم و سوم را از نظر میزان کاربرد داشته‌اند. بهتر است این دو نظریه در کنار هم تفسیر شوند؛ زیرا تأکید هردوی آنها بر پیوند اجتماعی است. یکی از آنها پیوند با هم‌نوایان را علت نبودن کج‌رفتاری و دیگری پیوند با کج‌روان را دلیل کج‌رفتاری می‌داند؛ بنابراین، آنها را در یک طیف می‌شود جا داد. در یک طرف این طیف، معاشرت زیاد فرد با دوستان کج رو و در طرف دیگر، پیوند مناسب با بخش هم‌نوای جامعه قرار دارد.

که برای راه‌حل آن، کارشناسان، به نظارت و کنترل و پیشگیری از جرائم، با تکیه بر دکترین بازدارندگی نظر دارند.

نتیجه

نظریه فشار رابرت مرتن، بیشترین فراوانی را در بین نظریه‌ها در هر چهار گروه به دست آورده است. در جامعه امروز ایران، در حین گذر از سنت به مدرنیته، دلیل این امر، گسترش ارتباطات فرهنگی و... و آشنایی با هنجارها و ارزش‌های جدید است که این هنجارها به کم‌رنگ شدن ارزش‌ها و هنجارهای قبلی منجر شده‌اند و البته خودشان نیز هنوز به اندازه کافی برای پذیرش و اطمینان کل جامعه قدرت ندارند. از جمله مهم‌ترین این امور ارزش‌های مادی هستند که در این مقاله، دلیل بسیاری از بزهکاری‌ها محسوب شده‌اند. با گسترش نگاه سرمایه‌داری و بورژوازی در کشورهای توسعه‌یافته و ایران، به‌صورت کشوری درحال توسعه، پول به



همچنین، در دو قسمت از برنامه، با عنوان فوتبال نیز کارشناسان ورزشی به شکل پررنگی حضور داشته‌اند و اظهار نظرهای آنها وقت زیادی از برنامه را به خود اختصاص داده است.

کم‌رنگ بودن حضور کارشناسان جامعه‌شناسی را در این برنامه، به راحتی نمی‌شود توضیح داد؛ اما با توجه به موضوع‌های مطرح شده در این برنامه که عمدتاً انحراف‌ها و کج‌روی‌های اجتماعی هستند، استفاده نکردن از کارشناسان علوم اجتماعی نقطه ضعف بزرگی برای این برنامه مستند محسوب می‌شود.

نکته مهم و تأمل‌برانگیز دیگری که می‌شود آن را از نقاط ضعف جدی و مهم این مستند دانست، حضور بسیار کم‌رنگ جامعه‌شناسان است. کارشناسانی که در این برنامه از نظر آنها استفاده شده است، در درجه نخست، کارشناسان قضایی و قضات دادگستری (در قسمت‌های اعتیاد، ازدواج، جرائم اینترنتی، سرقت مسلحانه، تصادفات و گلدکوئست) بعد از آن، کارشناسان نیروی انتظامی (در بخش اعتیاد، زورگیری، سرقت مسلحانه، تصادفات و گلدکوئست) و در درجه سوم، کارشناسانی با تخصص روان‌شناسی و علوم رفتاری بوده‌اند.

پیوست‌ها

جدول ۳- عنوان و تعداد قسمت‌های برنامه‌ها

شماره	عنوان برنامه	تعداد قسمت‌ها	شماره	عنوان برنامه	تعداد قسمت‌ها
۱	بازیگری	۳	۸	ازدواج	۲
۲	سودای شهرت	۳	۹	فست‌فود	۲
۳	اعتیاد	۳	۱۰	سربازی	۱
۴	رمالی	۲	۱۱	مد شده	۱
۵	فوتبال	۲	۱۲	گلدکوئست	۱
۶	جرائم اینترنتی	۲	۱۳	سرقت مسلحانه	۱
۷	زورگیری	۱	۱۴	تصادفات	۱
مجموع		۱۴			۲۵

منابع

- شرکت سهامی انتشار.
- رفیع‌پور، ف. (۱۳۹۴). *دریغ است که ایران ویران شود*، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- ستوده، ه. ا. (۱۳۷۳). *مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی اجتماعی*، تهران: مؤسسه انتشارات آوای نور.
- سعیدی، را. (۱۳۸۷). «صنعت فرهنگ»، *ره‌آورد سیاسی*، ش ۲۱، ص ۷۹-۹۸.
- سوتھیل، ک.؛ پیلو، م. و تیلور، ک. (۱۳۸۳). *شناخت جرم‌شناسی*، ترجمه: میرروح‌الله صدیقی، تهران: دادگستر (متن ترجمه‌شده).
- شایگان، ف. (۱۳۸۹). «رسانه و آموزش جرم، مطالعات موردی روزنامه جام جم سال ۱۳۸۸»، *فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی*، دوره جدید، ش ۲۴، ص ۹۱-۱۱۶.
- سلیمی، ع. و داوری، م. (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی کج‌روی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- صدیق‌سروستانی، ر. ا. (۱۳۸۹). *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)*، تهران: سمت.
- علیوردی‌نیا، ا.؛ ریاحی، م. ا. و موسوی‌چاشمی، م. (۱۳۸۷).
- آرشیو وب سایت شبکه سه صداوسیما. (Ch3.ir/program/archive)، تاریخ ۱۳۹۲/۲/۲۲.
- احمدی، ح. و عربی، ع. (۱۳۹۲). «بررسی رابطه مصرف رسانه‌ای و ترس از جرم (مورد مطالعه شهر کرج)»، *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، دوره ۳، ش ۷، ص ۲۳-۱.
- بخارایی، ا. (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی در ایران*، تهران: پژوهشگاه جامعه.
- پولادی، ک. (۱۳۸۳). *تاریخ اندیشه سیاسی در غرب (قرن بیستم)*، تهران: نشر مرکز.
- تبیست، م. (۱۳۸۴). *فلسفه حقوق*، ترجمه: حسن رضایی‌خاوری، مشهد: مؤسسه فرهنگی قدس (متن ترجمه‌شده).
- جلایی‌پور، ح. ر. (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی ایران (جامعه‌کژمدرن)*، تهران: نشر علم.
- دادبان، ح. و آقایی، س. (۱۳۸۷). «بازدارندگی و نقش آن در پیشگیری از جرم»، *فصلنامه حقوق*، دوره ۳۹، ش ۳، ص ۱۴۸-۱۲۵.
- رفیع‌پور، ف. (۱۳۹۲). *توسعه و تضاد*، تهران: انتشارات

- Theory and Music Piracy: The Different Roles of Online and Offline Peer Influences". *Criminal Justice Studies*, 22(4): 405-420.
- Hirschi, T. (1973) "Procedural Rules on the Study of Deviant Behavior". *Social Problems*, 21(2): 166-171.
- Lawson, T. and Heaton, T. (2010) "*Crime and Deviance*": Mac Millan Press.
- Merton, R. K. (1968) "*Social Theory and social structure*" Enlarged Edition, New York: Free Press.
- Nye, I. (1958) "*Family Relationships and Delinquent Behavior*". New York: John Wiley.
- Pratt, T. C. Cullen, F. T. Sellers, C. S. Winfree, L. T. Madensen, T. Daigle, L. Gau Jacina, M. (2010) "The Empirical Status of Social Learning Theory: A Meta-Analysis", *Justice Quarterly*, 27(6):765-802.
- Quinney, R. (1978) "*Class, state and crime: on the Theory and Practice of criminal Justice*", New York: Longman.
- Reckless, Walter C. (1973) "*The crime problem*", 4th edition, New York: Appleton.
- Schroeder, R. D. & Ford, J. A. (2012) "Prescription Drug Misuse: A Test of Three Competing Criminological Theories". *Journal of Drug Issues*, 42(4): 11-27.
- Sellers, C. S. Cochran, J. K. & Branch, K. A. (2005) "Social Learning Theory and Intimate Partner Violence: A Research Note". *Deviant Behavior*, 26: 379-395.
- Siegel, L. J. (1998) "*Criminology: Theories, Patterns, and typologies*", 13th edition. University of Massachusetts.
- Siegel, L. J. and Sienna, J. (1997) "*Juvenile Delinquency*", 6th edition, west Publishing Company.
- Sutherland, E. H. and Cressey, D. R. (1970) "*Principles of Criminology*", Published by Lippincott in Chicago.
- Thio, A. (2001) "*Deviant behavior*", 6th edition. Boston: Allyn and Bacon.
- «مطالعه جامعه‌شناختی بزهکاری: آزمون تجربی نظریه فشار عمومی آگنیو»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۸، ش ۲، ص ۸۳-۱۱۳
- فرجی‌ها، م. (۱۳۸۵) «بازتاب رسانه‌ای جرم»، فصلنامه رفاه اجتماعی، س ۶، ش ۲۲، ص ۵۷-۸۶.
- کاتوزیان، م. ع. ه. (۱۳۹۱) ایران، جامعه کوتاه‌مدت، تهران: نشر نی.
- کریندورف، ک. (۱۳۹۱). تحلیل محتوا، مبانی روش‌شناسی، ترجمه: هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.
- گروسی، س. و محمدی‌دولت‌آبادی، خ. (۱۳۹۰). «تجربه زیسته زنان وابسته به مواد مخدر از پدیده اعتیاد»، فصلنامه جامعه‌شناسی زنان، دوره ۲، ش ۱، ص ۵۵-۷۴.
- ممتاز، ف. (۱۳۸۵). انحرافات اجتماعی نظریه‌ها و دیدگاه‌ها، تهران: نشر شرکت سهامی انتشار.
- مؤذن‌زادگان، ح. ع. و افشاری، ف. (۱۳۹۲). «نقش رسانه در پیشگیری از جرم در سیاست جنایی ایران»، دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۱۸، ش ۶۴، ص ۱۲۹-۱۴۲.
- Agnew, R. (1992) "Foundation for a General Strain Theory of Crime and Delinquency", *Criminology*, 30 (1): 47-87.
- Agnew, R. (1999) "A General Strain Theory of Community Difference in Crime Rates", *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 36(2): 123-155.
- Akers, R. L. & Sellers, C. S. (2009) *Criminological theories: Introduction, evaluation, and application*, 5th edition. New York, NY: Oxford University Press.
- Bechker, H. (1963) *Outsider Studies in the sociology of Deviance*, New York: Free Press.
- Briathwaite, J. (1989) *Crime, Shame, and Reintegration*, Cambridge, UK: Cambridge University.
- Cloward, R. A and Ohlin, L. (1960) *Delinquency and Opportunity: A Theory of Juvenile Gangs*, New York: Free Press.
- Cohen, A. K. (1971) *Delinquent Boys: The Culture of the Gang*, Macmillan USA; New edition (1 Mar, 1971), Free Press
- Hinduja, S. & Ingram, J. (2009) "Social Learning